

امید به تغییر مردم را به وسوسه شرکت گسترده در انتخابات برانگیخته است

جامعه ایران با شرایط متناقضی روبرو است. کارنامه هشت ساله اصلاح طلبان دینی موجب x سرخوردگی مردم از آنان و تحریم گسترده انتخابات پیشین گردید. امری که باعث شد در این دوره - درکنار طرح گفتمان مطالبه محور- فضای انتخاباتی را تحت تاثیر خود قرار دهد و برخی از کاندیداتورها را وادار سازد تا برای جلب آرای روشنفکران دگر اندیش و اکثریت خاموش به طرح مطالباتی که به خودی خود مثبت هستند نظیر وعده کاهش فشارهای سیاسی و اجتماعی، تجدید نظر در قانون اساسی، اشاره به حقوق بشر، اقوام تحت ستم و زنان، و... بپردازند.

اگر چه تجربه نشان داده است غالباً مدافعین نظام حاکم وعده های انتخاباتی خود را پس از کسب قدرت، بدلیل «الزامات حکومتی» نادیده می انگارند و سرخوردگی دیگری را موجب می گردند. از سوی دیگر کارنامه فاجعه انگیز چهار ساله دولت احمدی نژاد در زمینه داخلی و بین المللی، هراس عمومی در نزد بخش گسترده ای از افکار عمومی ایرانیان و مجامع بین المللی ایجاد کرده است که جملگی شکست احمدی نژاد را به سود خود می دانند. اصلاح طلبان با رویکرد به موسوی که «اصلاح طلب اصول گرایی» است که هم مورد پشتیبانی راست ترین جریان‌ها و اصلاح طلب و هم بخشی از اصول گرایان است، حتی از مواضع پیشین خود عقب نشسته اند. با این همه به نظر میرسد مردم به صورت گسترده در این انتخابات شرکت کنند. دلیل آن نه الزامات بازتابی اعتماد به اصلاح طلبان بلکه وحشت از کابوس تداوم دولت احمدی نژاد است که علاوه بر تشدید وخامت شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم، ایران را در عرصه بین المللی نیز تا آستانه جنگ پیش برده است. در این میان بخش مهمی از نیروهای دمکرات و سکولار اپوزیسیون و جنبش های مستقل اجتماعی که به دلیل شرایط ضد دمکراتیک موجود شانس و علاقه ای برای شرکت در انتخابات ندارند، این بار به جای سیاست تحریم و یا حمایت بی چون و چرا از «بد در برابر بدتر»، رویکرد سومی در پیش گرفته اند که بنا بر آن با طرح گفتمان مطالبه محور، آگاهی دمکراتیک و توقع انتخاباتی در ذهنیت عمومی جامعه را افزایش داده و در کارزار انتخاباتی حضوری فعال یافته اند. بی آنکه این امر به خودی خود به معنی شرکت در انتخابات و یا حمایت از یکی از چهار کاندیدای موجود باشد. این گروه ها برای تامین آزادی مطبوعات و احزاب، آزادی زندانیان سیاسی، لغو نظارت استصوابی، تجدید نظر در قانون اساسی، تامین شرایط انتخابات آزاد و نظارت بی طرفانه بر روند انتخابات در ایران پیکار میکنند و خواستار فشار جهانی برای رعایت حقوق بشر و ابراز نگرانی از روند غیر دمکراتیک انتخابات در ایران و همچنین تقلب های انتخاباتی هستند. من شخما در شرایط موجود این رویکرد را مناسب تر میدانم و در چنین انتخابات غیر دمکراتیکی شرکت نمی کنم و رویکرد به جنبش های مدنی همچون زنان، کارگری، دانشجویی، ضد تبعیض قومی و... که در آن نیروهای سکولار نفوذی

تعیین کننده دارند را برای گسترش گفتمان دمکراسی مثبت تر می دانم. اما تاکید میکنم این تنها شیوه اعتراض نیست. بلکه بسیاری با شرکت در انتخابات به قصد حذف احمدی نژاد در پی آنند نه دیگری به ولی فقیه بگویند. به گمان من شکست احمدی نژاد و پیروزی اصلاح طلبان به تحولات ساختاری منجر نخواهد شد اما بی گمان اعتماد به نفس در میان مردم و امید به تغییر را در ذهنیت آنان افزایش خواهد داد و این به خودی خود امر مثبتی است.